

النَّبَات

از
مؤلفی ناشناخته

(از روی نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران، ش ۵۲۴۹، کتابت ۱۰۰۳ ق)

به کوشش

دکتر یوسف بیگ بلالپور



سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور : بیگ‌باباپور، یوسف، ۱۳۵۷، گردآورنده
 مشخصات نشر : النبات / از مؤلفی ناشناخته؛ به کوشش یوسف بیگ‌باباپور
 مشخصات ظاهری : تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۲
 فروست : ۲۳۲ ص
 شابک : مجموعه تاریخ علم، فرهنگ و تمدن دوره اسلامی، ۵
 : ۱۵۰۰۰۰ ریال: ۴ - ۰۶۵ - ۳۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : عربی
 یادداشت : مقدمه کتاب حاضر به فارسی است.
 یادداشت : از روی نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران، ش ۵۳۴۸
 موضوع : گیاه‌شناسی - متون قدیمی تا قرن ۱۴
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۲ زن ۹/۱۴۴۱ QK
 رده‌بندی دیویی : ۵۸۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۲۰۶۱۰

شابک: ۴ - ۰۶۵ - ۳۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸



تهران: خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴
 النبات

© حق چاپ: ۱۳۹۲، انتشارات سفیر اردهال www.safirardehal.ir

نوبت چاپ: اول

نگاشته: مؤلفی ناشناخته

به کوشش: دکتر یوسف بیگ‌باباپور

از: مجموعه تاریخ علم، فرهنگ و تمدن دوره اسلامی - ۵

طراح جلد: امین جعفری

صفحه‌آرا: منیژه فاتحی

ناظر فنی چاپ: جواد فینی

شمارگان: ۲۰۰

شماره نشر: ۱-۳۳۵

بها: سیاه و سفید ۱۵۰۰۰۰ ریال و رنگی ۱۰۰۰۰۰۰ ریال (خارج از ایران ۷۰ دلار)

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
[باب فى حرف الالف].....	۲۱
حرف الباء من حروف التهجى.....	۳۸
باب فى حرف التاء.....	۵۷
باب فى الثاء.....	۵۹
[باب فى الجحيم].....	۶۲
باب فى حرف الحاء.....	۶۸
باب فى حرف الخاء.....	۸۰
باب فى حرف الدال.....	۸۹
باب فى حرف الذال.....	۹۷
باب فى حرف الزاء.....	۱۰۱
باب فى حرف السين.....	۱۰۴
باب فى حرف الشين.....	۱۱۴
باب فى حرف الصاد.....	۱۲۳
باب فى حرف الضاد.....	۱۲۶
باب فى حرف الطاء.....	۱۲۶
باب فى حرف الظاء.....	۱۳۱
باب فى حرف العين.....	۱۳۳
باب فى حرف الغين.....	۱۳۹
باب فى حرف الفاء.....	۱۴۳
باب فى حرف القاف.....	۱۵۴

١٦٥	 باب فى حرف الكاف
١٧٨	 باب فى حرف اللام
١٨٤	 باب فى حرف الميم
١٩٦	 باب فى حرف النون
٢٠٠	 باب فى حرف الهاء
٢٠٣	 باب فى حرف الواو
٢٠٥	 باب فى حرف الياء

به نام آفریننده‌ی قلم

مجموعه‌ی تاریخ علم، فرهنگ و تمدن دوره‌ی اسلامی، حرکتی است در راستای چاپ عکسی (فاکسمیله) نفایس میراث مکتوب دوره‌ی اسلامی، از تمامی کتابخانه‌های جهان، با موضوعات مختلف علمی و فرهنگی که هم‌اکنون به یاری خداوند سبحان شماره‌ی ششم آن با انتشار کهن‌ترین نسخه تاریخ‌دار شناخته شده از تحریر فارسی الشهیم لأوائل صناعة التنجیم اثر دانشمند جلیل‌القدر ایران‌زمین، ابوریحان بیرونی (مرگ‌زده‌ی ۴۴۰ ق.) ارائه می‌شود.

کمبود منابع دست اول در بررسی‌های تاریخ علوم دوره‌ی اسلامی، بسیاری از محققان عرصه‌های مختلف در این زمینه را با مشکل مواجه نموده و اغلب در دسترس نبودن چنین آثاری، تحقیقات آنان را به سمت و سویی رضایت‌بخش سوق نداده است.

به همین دلیل، سعی نمودیم تا مجموعه‌ی حاضر را راه‌اندازی کنیم تا به انتشار نسخه‌های نفیس و اصیل، هرچند در تیراژ محدود، همت گماریم. در این راه بهترین الگوی حقیر، دانشمند بزرگ معاصر و کتابشاس بی‌نظیر، فؤاد سزگین بوده است؛ امید که بنده‌ی ضعیف بتواند از عهده‌ی این مهم برآید.

هم‌زمان با این مجلد، بیش از ده اثر نفیس دیگر، با مقدمه‌ی اساتید و دوستان دانشمند دیگر، در موضوعات متنوع، در نوبت چاپ قرار گرفته که بنا داریم تا آخر سال ۱۳۹۲ ش. بیش از سی جلد آن را به طبع برسانیم.

دبیر مجموعه

دکتر یوسف بیگ باباپور

مقدمه

طاش کبری زاده علم گیاه‌شناسی را در کتابش «مفتاح السعاده» این گونه تعریف کرده است: «گیاه‌شناسی علمی است که به دنبال خصوصاً گونه‌های گیاهی، شگفتی‌ها، شکل‌های مختلف، منافع و مضرات آن می‌باشد و موضوع آن گونه‌های گیاهی، فواید و منافع آن و شیوه درمان با آن است.» در ابتدا لازم است مختصری درباره تاریخچه این دانش در جهان اسلام صحبت شود. اگر چه مبدأ گیاه درمانی نامعلوم است، اما قدر مسلم این است که قدیمی‌ترین نوشته‌هایی که درباره استفاده از گیاهان به دست آمده، درباره فواید طبی آنها بوده است. در روزگاران گذشته، مردم رابطه‌ای نزدیک و غریزی با جهان طبیعی داشته‌اند و نه تنها از نظر مواد غذایی، بلکه برای درمان و تأمین سلامت خود به رستنی‌ها وابسته بوده‌اند.

نیاکان ما از طریق فرآیندهای طولانی و تا حدودی خطرناک آزمایش و خطا، دانش جامعی از کاربرد گیاهان دارویی را جمع‌آوری نموده‌اند و مردمی که غذای خود را از گیاهان و میوه‌های جنگلی تأمین می‌کردند، یاد گرفتند که چه‌طور از خواص دارویی گیاهان برای معالجه و همچنین حفاظت مواد غذایی و نوشیدنی‌های زمستانی خود استفاده کنند.

این دانستنی‌های ارزشمند که نسل به نسل منتقل شده‌اند، در واقع، عامل بقای نسل بشر و بخصوص جوامعی شده که در مناطق دور افتاده، زندگی می‌کرده‌اند. استفاده از گیاهان برای معالجه بیماری‌ها در این جوامع یک ضرورت بوده است؛ چرا که خدمات پزشکی و درمانی در دسترس اکثر خانواده‌ها نبوده است.

مدارک به دست آمده از تمدن‌های مصریان و سومریان در ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، نشان می‌دهند که این تمدن‌ها با خواص درمانی گیاهان طبی کاملاً

آشنایی داشته‌اند. پاپیروس مشهور «ابرز» که در سال ۱۸۷۴م. کشف شد، حاوی اسامی بیش از هشتصد گیاه دارویی بوده که تا سال ۱۸۰۰ پیش از میلاد برای درمان بیماری‌ها و همچنین مراسم مذهبی و مومیایی کردن از آنها استفاده می‌شده است. در همین راستا، تلاشهایی در جهت توسعه گیاه درمانی در چین و هندوستان نیز دنبال می‌شده است؛ در یک کتاب دارویی چینی که حدود ۲۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تدوین شده، فهرستی از گیاهان دارویی جمع‌آوری شده است. «ریگ وادا»، یکی از کتب مقدس هندوها، حاوی نام‌های بیش از یک هزار دواوری گیاهی می‌باشد.

دانش گیاه‌درمانی از مصر و بین‌النهرین به یونان برده شد و دیری نگذشت که جذب فرهنگ رومیان شد. افسانه‌های زیادی درباره «آسکلپیوس»، گیاه‌شناس و دانشمند گیاه‌پزشک «هربالیست» یونانی مصری‌تبار، که معلم بوده و در ضمن تعلیم به معالجه بیماران رومی پرداخته، نقل شده است.

گیاه‌درمانی به تدریج با جادو در آمیخته شد. بسیاری از گیاهان دارای خواص دارویی را افرادی سرگردانی و بی‌سواد در بیابان‌ها و دشت‌ها جمع‌آوری می‌کردند؛ آنها با خواندن اوراد و اجرای تشریفات خاص، این گیاهان را به بیماران می‌خورانیدند. با ظهور «بقراط» (۴۶۰-۳۷۷ پیش از میلاد)، یک نظام پزشکی علمی بر اساس تشخیص درمان بیماری‌ها با استفاده از گیاهان دارای خواص دارویی پی‌ریزی شد؛ در این نظام بیماری‌ها ناشی از خشم خدایان نبودند. در قرن اول میلادی، کتاب «دی ماتریامدیکا» را «دیوسکوریدوس» پزشک ارتش یونان تدوین کرد، که از نخستین کارهای معتبر در مورد علم گیاه‌درمانی است. دیوسکوریدوس که اساس کار خود را بر پایه کار بقراط بنا نهاده بود، شکل، مشخصات و خواص بیش از پانصد گیاه را در کتاب خویش ارائه کرد که سال‌ها بعد از تألیف به عنوان یک کتاب مرجع مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در همان زمان یک طبیعی‌دان رومی به نام «پلینی» کتاب تاریخ طبیعی نسبتاً حجمی را تدوین نمود که در آن به شرح گیاهان و خواص درمانی آنها پرداخت. هفت قرن بعد، که به قرون وسطی یا عصر تاریکی شناخته شده است، صومعه‌ها زنده نگاه داشتن گیاه‌درمانی را دست گرفتند. راهبان متون مربوطه را نسخه‌برداری کردند و از آنها برای شفای بیماران استفاده نمودند و مزرعه‌هایی را به پرورش این گیاهان

اختصاص دادند. اعتقاد مردم به درمانهای سنتی، که از لحاظ پزشکی ترکیبهای موفقیت آمیزی، هر چند با جادوگری ارائه می کردند، بدون توقف ادامه یافت. همچنین علم گیاهشناسی نقش مهمی در تکامل زبان عربی داشته است. توجه اعراب قبل از اسلام به علم گیاهشناسی مبتنی بر یک حقیقت اجتماعی بوده و آن نیاز آنها به چراگاهها برای چهارپایان خود بوده است. در آغاز، توجه دانشمندان عرب و مسلمان در زمینه علم گیاهشناسی تنها مبتنی بر اهداف لغتشناسی بود، ولی به تدریج این اهداف متنوع شده و دامنه آن تا زراعت، داروسازی و تزیین منازل، باغ و بوستان توسعه یافت.

در میان دانشمندان مسلمان که در زبان عربی متخصص بوده اند، علاقه بسیار زیادی به جستجو و تحقیق برامون اسامی گیاهان وجود داشته است و آن را بخشی از علم زبانشناسی عربی می دانستند. در کنار آن دانشمندان مسلمان از منابع گوناگون هندی، ایرانی و یونانی استفاده کردند. دانشمندان مسلمان دو علم متجانس را که از قرن دوم هجری در کتابهایی با عنوان *النبات* یا *الفلاحه* منعکس می کردند، تا قرنهای متمایز از یکدیگر نمی دانستند. در حال حاضر ما هیچ کتاب عربی درباره موضوعات گیاهشناسی و مربوط به آن پیش از قرن دوم هجری نمی شناسیم؛ اما باید توجه داشت که دستاوردهای گیاهشناسی در قرن سوم هجری را در تکامل پیشین این رشته در نزد اعراب، که از منابع گوناگون استفاده کرده اند، جستجو کرد. از جمله این منابع ترجمه های آثار تمدنهای دیگر در دانش گیاهشناسی است. درباره اهمیت این ترجمه ها در تاریخ گیاهشناسی اسلامی به نظر می رسد که آثار مربوط به کشاورزی و زراعت بیش از آثار اصلی گیاهشناسی ارسطو و ثوفراست، در محافل گیاهشناسان مسلمان مورد توجه قرار گرفت. پس از آثار لغویان نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

از نخستین رسالات لغویان درباره موضوعات گیاهشناسی بخش بسیار اندکی به صورت مستقیم موجود است. از جمله این افراد تا قرن سوم هجری ابن سکیت، اسمعی و نصر بن شمیل را می توان نام برد. گیاهشناسی در ایران قبل از اسلام نیز سابقه طولانی و درخشانی داشت. ایرانیان آگاهی عمیقی از چگونگی، مکان و زمان و چیدن، جمع آوری و انبار کردن گیاهان دارویی برای دستیابی به بالاترین حجم ماده مؤثر و شفاف بخش و استفاده کامل از این مواد داشته اند.

آنان شیوه‌های ضروری تهیه داروها و بهترین روش نگهداری و ذخیره‌سازی آنها را می‌شناخته‌اند. در اوستا بارها از «اورورو بیشه زو» (گیاه درمانی) ستایش شده است و واژه اورورو به معنی گیاه فرشته نگهبان آن امرتات (امرداد) که خود یکی از امشاسپندان و پایه شش و کمال جاودانگی است، در اوستا آمده است.

پزشکان ایرانی از صدها گیاه و رستنی درمان‌بخش آگاه بودند و آنها را مقدس می‌شمردند. مقدس‌ترین این گیاهان سی نوع بود که نمادی از نام روزهای سی‌گانه یک ماه بود؛ به‌طور مثال نام روز آذر که نماد گیاهی آن در اوستا اثرگون نام دارد و آن نوعی گل همیشه‌بهار است که دم کرده آن محرک سلسله اعصاب است و برای رفع خستگی استفاده می‌شد.

در جلد شاپور بیشترین سالهای آموزشی مربوط به گیاه درمانی بود؛ زیرا گیاه‌درمانی در ایران باستان اساس طب و درمان بود. پزشکان گیاه درمان باید از خواص ریشه، ساق، برگ، میوه و دانه و گل، حتی پوست گیاهان آگاه می‌بودند. در برخی تالارهای دانشکده پزشکی نوعی وسایل آزمایشگاهی برای پژوهش برخی گیاهان وجود داشته است که پزشکان همراه موبدان از آنها استفاده می‌کردند. کاربرد گیاهان در دانشکده پزشکی به سه طریق خوراکی، مالیدنی، و سوزاندنی بوده است. در روش خوراکی گیاه را فشرده و با آب مصرف می‌کردند، مثل گیاه هوم در مصر باستان. در روش مالیدنی گیاه را با آب جوشانیده و سپس سرد کرده و بالافاصله یا کمی بعد بر موضع بیمار می‌مالیدند.

در روش سوزاندن که نوعی بخور بود، برگ یا گل یا دانه یا پوست گیاه را می‌کوبیدند و مستقیماً بر روی آتش می‌سوزاندند تا در فضا پخش شود. در کنار آن گیاه درمانیان ایرانی از فلسفه پادزهر اطلاع کامل داشتند. این معلومات پس از اسلام در شکل‌گیری و رشد گیاه‌شناسی در اسلام و به‌ویژه ایران نقش بسیار مهمی داشت. هر چند که خود این دانش در ایران باستان با کمک اطباء هندی، چینی، یونانی و مصری شکل گرفته بود. اما آغاز کاربرد وسیع گیاهان دارویی و رونق و گسترش آن در کشورهای شرقی بخصوص در دوره اسلام به زمانی که شرق به کارها، نوشته‌ها و ترجمه‌های آثار بقراط، جالینوس و کتاب‌های دیوسکورید و پلین کهن و دیگران دسترسی یافت، مربوط می‌شود؛ زیرا کارها و آثار این دانشمندان یونانی مستقیماً از طریق شام و شرق رسید و در اوایل قرن سوم میلادی در «بیت الحکمه» به عربی

ترجمه شد. منابع ترجمه شده «بیت الحکمه» توسط پزشکان این دوره و پزشکان ادوار بعدی، چه به صورت نظری و چه به صورت عملی، مورد استفاده قرار گرفت و بسیاری از اسامی یونانی گیاهان دارویی، معرفی شد. برخی اطلاعات مکتوب و ترجمه این آثار، یکی از منابع اصلی و مهم مورد استفاده و استنباط پزشکان و داروسازان ایران، عرب، یهود، مسیحی و غیره را تشکیل داده است. کتاب گیاهان یا «الحشایش» یکی از مهمترین ترجمه‌های این منابع است که در واقع همان ترجمه «ماتریا مدیکا» دیوسکوریدوس است و از آن زمان و حتی تا همین اواخر به عنوان طب سنتی همیشه مورد استفاده قرار می‌گرفت و هنوز هم از آن استفاده می‌شود. ترجمه «ماتریا مدیکا» در واقع توسط «استفان بن بسیل» با کمک استادش «حنین بن اسحاق» که پزشک و مترجم بود، صورت گرفت.

در کتاب «الحشایش» شرح حدود ۶۰۰ گیاه که عمدتاً مربوط به نواحی مدیترانه هستند، مذکور است و اسامی آنها به زبان‌های دیگر نیز آمده است. یکی از ویژگی‌های این کتاب، ذکر اختصاصات «ریخت‌شناختی» گیاهان دارویی است و خواص پزشکی آنها نیز ذکر شده است. از دیگر دانشمندانی که در زمینه دانش گیاه‌شناسی تحقیقاتی انجام داده‌اند، می‌توان به این افراد اشاره کرد:

«علی بن سهل ربن طبری» در سال ۲۳۶ هجری برابر با ۸۵۰ میلادی کتاب «فردوس الحکمه» را به نام «الم توکل» خلیفه عباسی تألیف نمود. وی در این کتاب، ۲۰ گیاه جدید و مواد گیاهی را که دانشمندان یونانی نام برده بودند، می‌افزاید.

از دیگر دانشمندان مهم عرصه گیاه‌شناختی دارویی، می‌توان به یوحنا بن ماسویه؛ پزشک و گیاه‌شناس ایرانی و یکی از آخرین استادان و پزشکان نامی دانشگاه جندی‌شاپور در سال ۲۴۳ هجری برابر با ۸۷۵ میلادی نام برد.

کارهای علمی و کتاب «معرفی‌نامه داروهای گیاهی» این دانشمند و دیگر پزشکان هم عصر او مانند عیسی بن ماسه در سال ۲۵۷ هجری مطابق با ۸۸۸ میلادی و برخی دیگر کاملاً از بین رفته و نابود شدند. از اهمیت کارهای ارزشمند این دانشمندان همین بس که پزشکان و دانشمندان بعد از آنها در آثار خود اشارتی بر کارهای ارزنده آن‌ها دارند و برخی در تألیفات خود از کارها و آثار این دانشمندان با اهمیت خاصی نام می‌برند.

از جمله این دانشمندان ابن بیطار است که در کتاب خود معروف به «الجامع لمفردات الادویه و التغذية» از کارهای «یوحنا» که یکی از قدیمی ترین کارهای ارزنده در ایران است و در آن بیش از ۲۹ رقم از گیاهان و مشتقات آنها و برخی از گیاهان معطر که ارقام جدیدی در آن زمان بوده اند و در آثار یونانی ها و پزشکان اسلامی دیده نمی شود، نام می برد.

یکی از دانشمندان نامی ایران، محمد بن زکریای رازی است. این دانشمند بزرگ ایرانی (سال های ۲۵۰ تا ۳۱۳ هجری قمری) نه تنها در کارهای مربوط به گیاهان دارویی مطالعات عمیق داشته است، بلکه نخستین دانشمندی است که تمام کارهای فارماکولوژی و همه واژه هایی که تا آن زمان چه از دانشمندان غرب و چه اندیشمندان شرقی باقی مانده بود را مورد مطالعه و بحث قرار داد و دایره المعارفی در درمان شناسی به نام کتاب «الحاوی فی الطب» و خلاصه ای در پزشکی، به نام «المنصوری» و کتاب دیگری به نام «منافع الاغذیه و دفع مضارها» را نوشت. این کتاب ها و بقیه آثار او، مخزن و مرجع مهم اطلاعات گیاه شناختی برای نسل های متعددی در شرق و غرب بوده است. آثار این دانشمند به زبان های دیگر، به ویژه به زبان لاتینی نیز ترجمه شده و در کتابخانه های دانشگاه های غرب و حتی کتابخانه های کلیساهای معروف جهان باقی مانده است. محمد بن زکریای رازی حدود ۶۳۰ گیاه را که مصرف پزشکی و دارویی دارند، در بخش بیست و یکم کتاب «الحاوی» ذکر می کند.

علی بن عباس مجوسی ارجانی از دیگر دانشمندان عالی قدر ایرانی است، که پزشک مخصوص عضدالدوله پادشاه آل بویه بود او در کتاب «کامل الصناعات الطبیة» خود را شاگرد ابوماهر موسی بن یوسف بن سیار مجوسی معرفی می کند.

جالب ترین بحث این کتاب آن است که علی بن عباس در آن، از پزشکان یونانی و مقلدان اسلامی آنها انتقاد کرده و به نظر او، بسیاری از اصطلاحات فارماکولوژی و به ویژه نام گیاهانی که آنان در کشورهای شرقی نام برده اند، قابل تشخیص و شناسایی نیست. او شیوه های مداوا را که خود به کار می برده است، در این کتاب شرح داده و از داروهایی نام می برد که قبلاً مکرراً به وسیله پزشکان پارسی و عراقی تجربه شده و به کار رفته است. او در این کتاب، بسیاری از داروهای ذکر شده به وسیله پزشکان یونان قدیم را مردود می شناسد. او می گوید پزشکان فارس و

عراق، آن‌ها را مصرف نمی‌کنند. در کتاب مجوسی، حدود ۳۳۳ گیاه و مشتقات گیاهی دیده می‌شود که شرح مختصر آنها تقریباً همان شیوه شرح جالینوسی است. از ارزنده‌ترین آثار مجوسی، نوعی رده‌بندی گیاهان دارویی در کارهای او است که کارشناسی این گیاهان را عملی و آسان می‌سازد.

کتاب «النبات» ابوحنیفه دینوری، (۲۸۳ ق) از جمله آثار ارزنده آن سال‌هاست. این کتاب دارای دو بخش یا دو قسمت متمایز است، بخش اول آن، واژه‌شناسی (ترمینولوژی) عربی در موضوعاتی است که کم و بیش با گیاهان ارتباط دارد. دینوری در این قسمت از کتاب برای هر یک انواع گیاهان، فصل‌هایی جداگانه تخصیص داده است. در قسمت دوم کتاب، او در کاربرد گیاهان، به ترمینولوژی عربی و نام‌های مترادف گیاهان توجهی خاص دارد.

در قسمت اول و همچنین در فصل‌هایی از این کتاب در مورد قارچ‌ها و گیاهانی که در رنگرزی و عطرسازی به کار می‌روند و همچنین گیاهان دارای صمغ و گیاهان قابل استفاده در دباغی و گیاهانی که از الیاف آنها برای تهیه ریسمان، نساجی یا موارد دیگر در صنعت استفاده می‌کنند، نام می‌برد. فهرست الفبایی این کتاب، شامل یازده حرف یعنی از حرف «الف» تا حرف «ز» و شامل ۴۸۲ باب است که موضوع ۴۴۰ باب آن مربوط به گیاهان و واژه‌های گیاهی است. بقیه باب‌های این کتاب به مترادف‌ها، منابع، موضوعات اصلی، اظهار نظر‌ها و یادداشت‌های کوتاه مربوط می‌شود.

ابومنصور موفق هروی (۳۰۷ هجری مطابق با ۹۸۰ میلادی) صاحب کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» از دیگر دانشمندان هم‌عصر با مجوسی است. به‌ویژه کتاب او اولین اثر فارسی در معرفی مواد پزشکی و تغذیه به شمار می‌آید. او ۴۸۰ گیاه و مشتقات آن را در کتاب خود معرفی کرده است.

هروی در تألیف این کتاب معتقد است که تمام کتاب‌های فارماکولوژی یونانی و اسلامی پیشینیان خود را همراه با آثار برخی از پزشکان هندی به دقت مطالعه کرده است. به همین علت، کتاب او حاوی بسیاری از گیاهان دارویی با نام‌های هندی است که او، آن‌ها را به نام‌های فارسی، یا معرب نام می‌برد؛ مانند: اسامی فوفل، هل‌بویا، کبابه، قولنجان، زردچوبه و غیره.

ابن سینا، دانشمند و پزشک نامدار ایرانی (۴۲۸ ق) که در غرب او را به نام «آویسینا» می‌شناسند و پس از انقراض تمدن یونان او را بزرگترین دانشمند جهان و به اشتباه، عرب دانسته‌اند. (چون کتاب‌های او به عربی نوشته شده است) در جلد دوم کتاب «القانون فی الطب»، بیش از ۸۰۰ نمونه گیاه طبی و غذایی را نام می‌برد که از آن میان ۵۴۱ گیاه و مشتقات آنها دارای توصیف کاربردی و صفات ریخت‌شناختی هستند.

او اختلاف شکل و صفات گیاهان مشابه یا نزدیک به هم را (برای اجتناب از اشتباه آنها از یکدیگر) با توجه خاصی در کتاب قانون توضیح می‌دهد و در مورد چگونگی استفاده از مشتقات گیاهان دارویی و کاربرد آنها، با ترتیبی خاص، معین و نظام‌یافته به شرح و تفصیل آنها می‌پردازد.

ابوریحان بیرونی (۳۶۱ تا ۴۴۰ هجری)، این دانشمند نامی هم عصر ابن سینا، مؤلف کتاب معروف «الصیدنه فی الطب» است.

کتاب «صیدنه» در نوع خود کتابی جامع و کامل است و در میان تمامی کتاب‌ها و نوشته‌های دانشمندان و فرهنگ‌های دوره اسلامی به عنوان اثری بی‌نظیر ذکر شده است. بیرونی با اطلاعات وسیعی که در شناخت گیاهان داشته است، با بهره‌گیری از کارهای مؤلفان بزرگ گذشته، به ویژه آشنایی با «ماتریا مدیکا» دیوسکوریدوس و دانشمندان هم‌عصر خود و با گلچین کردن و اخذ چکیده‌ای از آنها و افزودن اطلاعات وسیع خود، کتاب «صیدنه» را تدوین و تألیف کرد. مواد پزشکی معرفی شده در «صیدنه» علاوه بر تمام مواد پزشکی موجود و شناخته شده قبل از او، حاوی بسیاری از مواد پزشکی دیگری است که بیرونی خود بر آن افزوده است.

در «صیدنه» به جز برخی مترادف‌ها و ارجاع‌ها حدود ۷۷۰ گیاه با مشتقات و صفات درمانی شرح داده شده است. اهمیت دیگر و منحصر به فرد «صیدنه» فراوانی بی‌سابقه نام‌ها و اسامی معادل گیاهان است.

بیرونی در «صیدنه» نه تنها نام‌های معادل زبان‌های سنتی (کلاسیک) زمان مانند یونانی، لاتینی، سریانی، عربی، ایرانی و ترکی را به کار برده است، بلکه نام‌های موسوم در نواحی مختلف را با همان لهجه‌های محلی رایج عصر خود (مانند لهجه‌های بلخی، بخارایی، گرگانی، خوارزمی، سیستانی، بخارستانی و زابلی)، ذکر کرده و نام‌های هندی و سغدی را نیز جمع‌آوری نموده است.

منظور بیرونی از ذکر نام‌های محلی همراه با نام‌های سنتی رایج، شناخت بهتر گیاهان دارویی و جلوگیری از اشتباهات متداولی بود که پیوسته از ترجمه نام‌های گیاهان از یک زبان به زبان دیگر مثلاً از سریانی به عربی، یا از یونانی به سریانی و عربی، از عربی به ایران و از ایران به زبان‌های دیگر پیش می‌آمد و مرتباً نیز در ترجمه‌ها تکرار می‌شد.

اگر به افزایش ورود گیاهان دارویی جدید و داروهای اخذ شده از آنها در زمان بیرونی توجه کنیم، آن وقت به اهمیت و ارزش کار این دانشمند در ثبت نام‌های محلی گیاهان دارویی در «صیدنه» آگاه خواهیم شد. بیرونی در تنظیم اسامی گیاهان در کتاب «صیدنه» از کتاب‌های لغت و مترادفات گیاهان که امروزه مفقود شده بهره گرفته است. (بن مراد، بحوث فی تاریخ الطب و الصيدله، صص ۲۵۵-۳۰۳؛ دفاع، اسهام علماء العرب و المسلمين فی الصيدله، صص ۱۶۰، ۲۳۹، ۳۲۵؛ موسی نیا، گیاه‌شناسی عمومی، ج ۱، ص ۷-۸؛ ناظم العلوم، اصول علم گیاه‌شناسی، ص ۸-۹؛ میر حیدری، معارف گیاهی، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۴۷؛ سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۴، صص ۱۶۰، ۱۸۳، ۲۷۶، ۳۲۵، ۲۳۹؛ نویهی، علم النبات عند العرب، صص ۱۲۶، ۱۶۶-۱۶۹؛ نجم‌آبادی، تاریخ طب ایران، ج ۱، صص ۲۵۵-۲۷۸).

همان‌طور که اشاره شد تحقیقات دانشمندان مسلمان در گیاه‌شناسی بیشتر به مسائلی همچون طبقه‌بندی و فیزیولوژی گیاهان و پیدایش و شکل و توصیف اجزای مختلف آنها و ارتباط گیاهان با اوضاع و احوال اقلیمی دارویی و نیز خواص نهانی آنها مربوط می‌شود.

همچنین نویسندگان مسلمان به منظور فراگرفتن درس‌های اخلاقی و روحانی به مطالعه گیاهان توجه بسیار می‌کردند و نیز به مشاهده اشکال گوناگون آنها به مثابه آیات الهی نظر داشتند. این امر در نوشته‌هایی چون رسائل اخوان الصفا، بوستان بیرونی و به‌ویژه در کتاب عجایب المخلوقات قزوینی کاملاً مشهود است. اهمیت گل‌ها و درختان در باغ‌های ایرانی و اسپانیایی، در اشعار فارسی و عربی، و سایر هنرهای اسلام و در حقیقت، در زندگی عمومی مسلمانان، از جنبه‌های علمی و دارویی گیاهان، تفکیک ناپذیر است (فرشاد، ج ۱، ص ۲۹۲؛ آرام، ص ۷۱).

چنان‌که اشاره شد، یکی از تأثیرگذارترین بنیانگذاران یونانی سنت مصورنگاری گیاه‌شناسی در حوزه پزشکی دوره اسلامی، پزشک شهر یونانی که البته تأثیر بسیار زیادی بر پزشکی دوره اسلامی داشته، دیوسکوریدس (پری اولیس یاتریکوس) است.

وی بنابر قول اکثر مورخان ابتدا در مسقط الرأس خویش، عین‌زریه، و سپس نزد استادان حوزه علمی اسکندریه به تحصیل علوم و فنون گوناگون از جمله فلسفه و ادب یونانی و طب و معرفت خواص عقاقیر و نباتات طبی پرداخت.

سپس مدتی نیز برای تکمیل معلومات در آتن اقامت گزید و بعدها علاوه بر سیاحت بلاد آسیای صغیر و سوریه، در عهد امپراتوری نرون (حک ۵۴ - ۶۸ م.) همراه با قشون روم از قسمت عمده‌ای از جزایر و ممالک جنوبی خاک اروپا دیدن کرد و از نزدیک به مطالعه و مشاهده و کسب معلومات و تجارب درباره خواص طبی انواع گیاهان و نباتات پرداخت. هر چند عده‌ای بعد از وی به تتبع و تحقیق در مورد گیاهان پرداختند، اما سهم بیشتر این کار از آن دیوسکوریدس عین‌زری است که با تألیف کتاب الحشائش، تمام تجارب و معلومات شخصی خود و گذشتگان را در باب خواص طبی گلها و گیاهان نواحی مختلف، مرتب و منظم کرده و به این ترتیب آنها را از نابودی به دست حوادث زورگار مصون و محفوظ داشته است. اصل کتاب الحشائش به زبان یونانی است و مؤلف در آن بالغ بر ۶۰۰ گونه از نباتات و تعداد کثیری از پرندگان و حیوانات بری و بحری را مفصلاً بررسی کرده و آن را به حسب موضوعات در پنج مقاله به این شرح، مرتب و تدوین کرده است:

مقاله اول: در بیان افایه و ادویه خوشبو و ادمان و سمغها و انواع درختان.

مقاله دوم: در بیان حیوانات و حبوب و دانه‌های خوراکی.

مقاله سوم: در بیان عصارات و اصول نباتات و گیاهانی که خاصیت پادزهری

دارند.

مقاله چهارم: در بیان گیاهان دارویی سرد و مسهل‌های گیاهی گرم.

مقاله پنجم: در بیان انواع اشربه و ادویه معدنی.

البته دو مقاله نیز در آخر دارد: یکی السموم، و دیگری الدواب که این دو مقاله

به زعم بعضی مؤلفان همچون ابن ندیم (ص ۴۰۸) از موضوعات افزوده حنین یا

حیث بن اعسم است.

متن یونانی این کتاب دو بار چاپ شده و به زبانهای لاتینی، فرانسوی، اسپانیایی و انگلیسی نیز ترجمه شده است.

کتاب الحشاش دیوسکوریدس چندین بار در دوره اسلامی ترجمه شده که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در زمان متوکل (حک ۲۳۲-۲۴۷ق.) کتاب گیاهشناسی دیوسکوریدس را استفان بن باسیل از یونانی به عربی ترجمه کرد و چون استفان نام عربی پاره ای از گیاهان را نمی دانست، آن اسامی را به همان زبان یونانی در ترجمه نگاشت.

۲. ترجمه ابوزید حنین بن اسحاق (متوفی ۲۶۰ق.) که آن را برای بختیشوع بن جبرائیل ترجمه کرد.

۳. ترجمه بهنام بن موسی.

۴. ترجمه ابوسالم ملطی (قرن ۶ق.).

۵. ترجمه علی بن شریف حسینی (متوفی ۸۶۷ق.) به زبان فارسی.

۶. ترجمه غیاث الدین محمد رموی (متوفی ۱۰۶۸ق.).

۷. ترجمه مهران بن منصور بن مهران.

نسخه هایی از این کتاب در لیدن (ج ۱، ص ۲۲۷) و مادرید (ص ۱۲۵) و موزه بریتانیا (ص ۷۸۵) و بولونیا (BOL. 424) هست (بروکلن، ذیل، ج ۱، ص ۳۶۹) و نسخه ای از آن در ایاصوفیا بوده است به شماره ۲۷۰۲ و ۲۷۰۴ (ص ۲۲۱ دفتر فهرست) که اکنون در طوپقاپوسرای است به شماره ۲۱۴۹ و ۲۱۹، آن را عبدالله پسر الفضل و دختر حمیدالله در رجب ۶۲۱ق. نوشته است، تصویرهای خوب آن را برداشته و پراکنده ساختند؛ و اکنون برخی از آنها در کتابخانه ها و موزه های اروپا و آمریکا نگاه داری می شود (نقاشی ایرانی اسچو کین، ص ۶۷، و لوح ۳۲ و ۱۱۳۶آ).

در فهرست عربی طوپقاپوسرای (ج ۳، ص ۸۰۰) از نسخه شماره ۲۱۲۷ احمد سوم نوشته ابویوسف بهنام بن موسی بن یوسف موصلی در ۶۲۶ق. زمان ناصرالدین محمد ایوبی (۶۴۲-۶۵۸ق.) یاد می شود که آن را حسین بن ابراهیم بن حسن خورشید طبری ناتلی اصلاح کرده است. در فهرست فارسی آنجا (ص ۱۰۲) از مجموعه شماره ۲۱۴۷ احمد سوم یاد می شود، متن عربی آن در هفت مقاله ترجمه ابوزید حنین بن اسحاق از یونانی به سریانی و مهران بن منصور بن مهران از سریانی به عربی برای ملک دیار بکرالپ اینانج قتلغ بیگ ابوالمظفر البی پسر تیمور تاش پسر

ایل غازی پسر ارتق شهاب (۵۴۷ - ۵۷۵ق) ترجمه شده و اهدا گردیده است (نک: نشریه، ج ۱۰، ص ۳۷۹-۳۸۱؛ و ج ۸، ص ۳۷-۳۹).

اما نسخه حاضر، تنها نسخه‌ای که غیر از نسخه حاضر تا به حال از کتاب **النبات (گزیده الجامع ابن بيطار)** سراغ داریم، نسخه دانشگاه پرینستون آمریکا (از مجموعه روبرت گارت) ش ۱۰۶۴، است که به حول و قوه الهی همان نسخه را نیز در مجموعه دوا و درمان در روزگاران کهن (تهران - سفیر اردهال) منتشر نموده‌ایم. در این نسخه دانشگاه تهران همچون نسخه دانشگاه پرینستون این مشخصات به چشم می‌خورد: در ذیل «کراث شامی» و در کندی «قال الرشید» و گویا منظور از آن رشیدالدین ابوالنصور بن ابی الفضل بن علی صوری (متوفی ۶۳۹ هـ.ق.) است و کتاب او **الادویه المفردة** می باشد.

در ذیل «رشیده» آمده: «قال صاحب المنهاج» و از آن کتاب نقل قول نموده که در کتاب **الجامع ابن بيطار** هم چنین است.

همچنین در **الجامع ابن بيطار** (ج ۴، ص ۷۴) عباراتی از **الرحله المشرقية** ابوالعباس الحافظ آمده که در این کتاب هم هست و او همان ابن الرومیه النباتی الاشبیلی احمد بن محمد بن مفرح (۱۲۳۹ م.) باید باشد که در ۶۱۳ ق. به مشرق آمده و از اوست تفسیر اسماء **الادویه المركبه** من کتاب **ديسقوريدوس** و مقاله فی ترکیب **الادویه** (نک: **الطب العربی**، ۱۹۰-۱۹۱؛ خزرچی ۸۱/۲ و ۲۱۶-۲۱۹) اما بعید است که این نسخه از ابوالعباس نباتی باشد (نک: فهرست دانشگاه، ج ۱۵، ص ۴۱۷۸). و اینکه فهرست‌نویس محترم دانشگاه این اثر را منسوب به رشیدالدین ابومنصور بن علی صوری (؟) دانسته است، بعید به نظر می‌رسد و صرفاً در چند نقل قول از وی خلاصه می‌شود؛ لذا باز دلایل متقنی باید یافت تا بدان صحه گذاشت. شماره نسخه کتابخانه پرینستون ۱۰۶۴ از مجموعه گارت می‌باشد (نک: فهرست گارت، ص ۳۳۳-۳۳۴).

تاریخ کتابت نسخه حاضر ۲۷ ذی القعدة ۱۰۰۳ هجری قمری در قصبة اردوبال معروف به بهشت آباد، توسط علی بن عوض محمودی می‌باشد (نک: ص ۲۰۸ همین کتاب). چند صفحه آخر کتاب یادداشت‌هایی در مرکبات دارویی است که به خاطر حفظ اصالت نسخه آن نیز ضمیمه کتاب حاضر شد. چند برگ از آغاز نسخه نیز افتاده که خوشبختانه کم است. در حواشی تصاویر گیاهان معادل لاتین هر یک

یادداشت شده که از این نظر مهم و قابل توجه است. همچنین حاشیه‌نگاری‌های نسخه نیز به نوبه خود مهم هستند.

ناگفته نماند که از نظر تصویرشناسی گیاهان دارویی تصاویر نسخه حاضر دقیق است و یکی از آثار ارزنده در حوزه گیاهشناسی طب اسلامی به حساب می‌آید. امید است که انتشار این اثر بتواند انگیزه تحقیقات بعدی را در راستای گیاهشناسی و تصویرنگاری آن در دوره اسلامی موجب شود.

والسلام علیکم

یوسف بیگ باباپور

تهران - مرداد ۱۳۹۲ خورشیدی